

## منابع قدرت و خشونت خانگی علیه زنان (مورد مطالعه: شهر سمنان)

سروش فتحی<sup>۱</sup>، طاهره میرساردو<sup>۲</sup>، الهه پهلوان<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۵/۲۹

### چکیده

خشونت علیه زنان نوعی بیماری همه گیر جهانی است که در سکوت پیشروی می کند و همه ملت ها کم و بیش به آن مبتلا هستند. خشونت علیه زنان به هیچ وجه خاص جوامع عقب افتاده یا جوامع مسلمان نیست. در پیشرفته ترین کشورهای جهان، زنان و کودکان از تبعات و عوارض ناشی از خشونت، به خصوص در زندگی خانوادگی رنج می برند و آزارهای جسمی و جنسی و روانی نه تنها تندرستی، سلامت عقل، تعادل عاطفی و روانی آنها را به خطر می اندازد بلکه جامعه را نیز متضرر می سازد. خشونت های خانگی عمدتاً شامل خشونت فیزیکی، روانی و ... علیه زنان و سوء استفاده و بد رفتاری با کودکان است.

هدف مقاله حاضر بررسی نوع و وضعیت خشونت خانگی علیه زنان در شهر سمنان می باشد روش پژوهش، پیمایش است و تعداد ۳۰۰ زن به شیوه نمونه گیری خوشه ای (ساکن شهر سمنان) مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار جمع آوری داده ها، مصاحبه اکتشافی و پرسشنامه می باشد نتایج به دست آمده از یافته های تحقیق نشان داد، ۳۴ درصد از زنان در معرض انواع خشونت از جمله روانی، اجتماعی، اقتصادی و ... قرار گرفته اند.

**واژگان کلیدی:** خشونت عاطفی، خشونت جسمی، خشونت اقتصادی، خشونت جانی.

<sup>۱</sup> استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، (مسئول مکاتبات) sfathi@iau-garmsar.ac.ir

<sup>۲</sup> استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، mirsardoo\_t@yahoo.com

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.

## مقدمه

خانواده اساسی ترین نهاد است که به اعضای خود احساس امنیت و آرامش می دهد و مهمترین فضای ارضای نیازهای طبیعی و جنسی انسانها است. خانواده به عنوان موثرترین وسیله حفظ ویژگی های فرهنگی و عامل انتقال آنها به نسل های بعدی می باشد، اما در بسیاری از خانواده ها رفتارهایی مشاهده می شود که احساس امنیت و آرامش جای خود را به اضطراب و ناامنی می دهد که پیامد آن بیماری های روانی، قتل های خانوادگی، همسرکشی و کودک آزاری و ... می باشد. روزنامه ها، اخبار رادیو و تلویزیون منعکس کننده ی انواع مختلف این نوع رفتارها هستند که بیشترین مخاطب را زنان تشکیل می دهند و این گونه رفتارها چنان رو به رشد و پیشرفت است که انگار در جان جامعه جای گرفته و بخشی از رفتارهای معمولی افراد شده است و کسانی که از این نوع رفتارها استفاده می کنند همواره خودشان را حق دار می دانند و اعتقاد دارند فرد مقابل با رفتاری که داشته آنها را مجبور به رفتاری که خشونت می نامند وادار کرده است.

خشونت علیه زنان یکی از معضلات اجتماعی کلیه کشورهای دنیا به حساب می آید. همسر آزاری رفتاری آزار دهنده است که توسط شوهر بر علیه زن در محیط خلوت خانواده به صورت پنهانی به وقوع می پیوندد که با به جاگذازدن عوارض جسمی و روانی در فرد آزار دیده باعث تبعات جبران ناپذیر اجتماعی می گردد. خشونت های خانوادگی اساسا شامل کتک خوردن زنان از شوهرانشان و بدرفتاری با فرزندان و کودکان است (ژان باتیست را ندو، ۱۳۸۳: ۶۴). خشونت، رفتاری است که در همه ی کشورها مشاهده می شود و بر قربانیان آن همه روزه افزوده و موجب اضطراب مردم و احساس ناامنی آنها به ویژه گروه های ضعیف تر و آسیب پذیرتری مانند زنان، کودکان، سالخوردگان و گروه های اقلیت که قربانیان ستم پذیرتر نابرابری های اجتماعی و

اقتصادی اند می شود. گستردگی و فزاینده‌گی انواع خشونت در جامعه، علاوه بر قربانیان مستقیم آن، نزدیکان و دوستان قربانیان را نیز متاثر می کند و امنیت اجتماعی و سلامت روانی مردم را به خطر می افکند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۱۱۳).

هنگامی که زنی قربانی خشونت می شود، نمی تواند بلافاصله عکس العمل نشان دهد، ولی پس از مدتی به آسیب هایی دچار می شود که مدتهای طولانی باقی می ماند. این آسیب ها می توانند به صورت کابوس یا ترس دائمی (ترس خروج از خانه و رفتن به خیابان یا ترس از آشنایی با افراد جدید) خود را نشان دهد (همان، ۷۵). خانواده کانونی پر از احساس و عاطفه است و اعضا، ناکامی های خارج از آن را به داخل می آورند و بروز می دهند و پرخاشگری هایی که اگر خارج از خانواده روی دهد معمولاً کسی آن را تحمل نمی کند، در خانواده امری متداول و عادی است. عوامل عمده ی خشونت خانوادگی را فشار، ارزش های پدرسالارانه، بیماری روانی و اختلال شخصیتی دانسته اند. این نوع خشونت ها ممکن است به اشکال: ۱- آزار کلامی (ایراد گرفتن، تهدیدکردن و اسم روی افراد گذاشتن) ۲- آزار غیرکلامی نمادین (له کردن چیزی یا از بین بردن و شکستن اشیا و ابزار، پاره کردن عکس ها و صحبت نکردن یا جواب ندادن) ۳- بی توجهی (کوتاهی درتأمین مراقبت، غذا، بهداشت و فضای سالم) ۴- آزار جنسی (تجاوز) بروز می کند (سروستانی، ۱۳۸۶: ۱۴۲). خشونت روانی شامل، بدرفتاری کلامی و عاطفی مثل تمسخر در جمع، تحقیر وضعیت جسمانی، ظاهری، دشنام و ناسزا است که نتیجه آن از بین بردن اعتماد به نفس، به هم خوردن تعادل روانی و پیدایش تصورات واهی و تمایل به خودکشی می شود (اعزازی، ۱۳۸۲: ۲۰۹).

خانواده هایی که در آنها خشونت به وفور دیده می شود، فرزندان مستبد، بدون اعتماد به نفس و ناهنجار پرورش می دهند و خود بزرگسالان نیز در محیط کار، رفتارهای ناهنجار

اجتماعی داشته و در مقایسه با دیگران از کارایی کمتری برخوردارند که در مواردی به از کار بر کنار شدن آنها منجر می شود. بعلاوه این افراد منزوی شده، در روابط اجتماعی از خود تزلزل و عدم اطمینان نشان می دهند و تمایل بسیار زیادی به خودکشی و مصرف مواد مخدر دارند. بنابراین این در جامعه ای که زنان و کودکان در آسایش و رفاه نباشند، تصور جامعه سالم خیالی بیش نخواهد بود (اعزازی، ۱۳۸۰: ۲۷). در ایران آمار دقیقی از پدیده خشونت خانگی که بسیار خاص و حساسیت برانگیز است، وجود ندارد. مسلماً خشونت در ابعاد مختلف خود (فیزیکی، روانی، اقتصادی، اجتماعی و جنسی) در درون خانواده های ایرانی نیز صادق است. اما ابعاد، گستردگی، نوع خشونت، عوامل و ویژگی های خانواده های با رفتار خشن به طور کامل مشخص نشده است. چه بسیار خانواده هایی که به ظاهر معمولی و مطلوب به نظر می رسند اما زنان مورد ظلم و خشونت شوهران خود قراردارند، اما به دلایل مختلف مانند آبرو، وابستگی مالی به شوهر و ... از آن دم نزده و وضعیت خشونت بار را تحمل می کنند. این مقاله با هدف شناخت نوع و میزان خشونت خانگی علیه زنان در شهر سمنان می باشد.

## بیان مساله

خشونت مفهومی گسترده دارد و به سختی می توان آن را صرفاً در یک بعد تعریف کرد. برای نمونه اگر تنها مفهوم فیزیکی یا طبیعی خشونت را در نظر داشته باشیم آن را می توان نوعی قدرت یا زور تعریف کنیم که با تحمیل خود به سایر پدیده ها، اعم از پدیده های انسانی و غیرانسانی، حدود قدرت آن پدیده را مشخص می کند. در مورد انسان، محدود شدن قدرت به معنی محدود شدن میل و اراده و آزادی اوست. خشونت به کاربردن زور جهت کشتن، آسیب رساندن و بدرفتاری نسبت به دیگران دلالت دارد. خشونت در صورتی که بین دو یا چند نفر روی

دهد، خشونت (بین فردی) یا اگر بین گروه‌هایی از جامعه مانند گروه‌های نژادی، مذهبی و سیاسی روی دهد، خشونت (بین گروهی) نامیده می‌شود. خشونت در حالت بین گروهی، در نهایت به معنای مقابله بین افراد است ولی علت رفتار خشونت‌آمیز به خاطر منافع گروه‌هایشان می‌باشد که اهمیت بیشتری نسبت به منافع فردی آنها دارد. عموماً، خشونت بین فردی، درحالی‌که روی می‌دهد که افراد قبل از درگیری، یکدیگر را تا حدودی می‌شناسند، اما در حالت خشونت بین گروهی این آشنایی کمتر وجود دارد. خشونت، رفتاری است که برای آسیب رساندن به دیگری از کسی سر می‌زند و دامنه آن از تحقیر و توهین، تجاوز و ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی و قتل گسترده است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۱۱۳).

اولین تعریف خشونت از «گلز و استراوس» (۱۹۷۹) است، دو فردی که سال‌های زیادی در زمینه خشونت تحقیق و بررسی کرده‌اند. از دید این دو محقق، خشونت رفتاری با قصد و نیت آشکار (یا رفتاری با قصد و نیت پنهان اما قابل درک) برای وارد کردن آسیب فیزیکی به فرد دیگر است. از ویژگی‌های مهم این تعریف این است که اول: تأیید بر قصد و نیت فرد دیگر است اما شدت جراحات مورد نظر نیست، و دوم: تأیید بر خشونت‌های فیزیکی است و انواع دیگری را شامل نمی‌شود (اعزاز، ۱۳۸۰: ۷۸). «یلو»<sup>۱</sup> در سال (۱۹۸۳) خشونت را چنین تعریف کرده است: خشونت رفتاری آگاهانه در نظر گرفته می‌شود که نتایج احتمالی آن ایجاد آسیب فیزیکی یا درد در فرد دیگر است (همان: ۲۴). خشونت از لحاظ لغوی به معنای غضب، درشتی، تندی کردن و ضد نرمی و لطافت تعریف شده است. از نظر برخی خشونت رفتار خشنی است که از روی قصد و عمد و به منظور آسیب به فرد دیگر انجام می‌شود. برخی معتقدند خشونت انواع رفتارهای بسیار تند و آسیب‌زا و واکنش‌های منفی چون بی‌تفاوتی، کم‌توجهی را در بر دارد و

---

<sup>۱</sup>. yello

خشونت در لغت به مفهوم خاص (پرخاش و سختگیری) است (شیبانی، ۱۳۸۸: ۲۷). مولوردی معتقد است، خشونت استفاده غیر قانونی یا غیر مجاز از قدرت است، که معمولاً با شدت، نفرت یا خشم همراه است. اعمال غیر قانونی نیروی بدنی در برابر حقوق عموم، قوانین و آزادی عمومی را، خشونت می گویند (مولوردی، ۱۳۸۵: ۹۸). مگارژی<sup>۱</sup>، محقق دیگر در سال (۱۹۸۲) در زمینه خشونت، معتقد است تعریف او انواع دیگر خشونت را در بر می گیرد، او از خشونت به عنوان شکل افراطی پرخاشگرانه نام می برد و احتمالاً باعث آسیب مشخص به فرد قربانی می گردد (اعزازی، ۱۳۸۰: ۲۵). «نوابی نژاد» خشونت را چنین تعریف می کند: خشونت را به معنای ضرب و شتم یا هرگونه تجاوز به زن یا شکنجه و آزردن روانی وی برمی شمارد که در سراسر دوران زندگی زن، شکل های گوناگونی از آن بروز می کند (نوابی نژاد، ۱۳۷۹: ۱۳۷).

خشونت استفاده عمدی از نیرو یا قدرت فیزیکی، تمایل به تهدید نسبت به خود و سایر افراد جامعه می باشد که می تواند موجب آسیب های همراه جراحی، مرگ، صدمه روحی، نقصان در رشد و تکامل با رنج و محرومیت های دیگر باشد (رفیع پور، ۱۳۷۹: ۶۳). طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی، خشونت یعنی استفاده عمدی شخص از نیرو یا توان جسمی علیه خود و فرد دیگری یا گروه و جامعه که منجر به جراحی، مرگ، آسیب روانی، عدم پیشرفت و محرومیت شده یا احتمال وقوع این مسائل را فراهم آورد (سلیمانی، ۱۳۸۵: ۶۱). گالتونگ<sup>۲</sup> در سال ۱۹۷۵ خشونت را چنین تعریف می کند: زمانی از خشونت نام می بریم که افراد، آن چنان تحت تاثیر قرار گرفته باشند که گمان برند قابلیت های جسمانی و روانی موجود آن ها کمتر از قابلیت های بالقوه و واقعی است (اعزازی، ۱۳۸۰: ۲۶). کوک<sup>۳</sup> خشونت را قصد استفاده از قدرت فیزیکی

<sup>۱</sup>. Megargee

<sup>۲</sup>. Galtung

<sup>۳</sup>. Cooks

به منظور ایجاد آزار، تخریب و مرگ می‌داند. وی خشنونت را به دو معنی دیگر نیز به کار می‌برد:

- ۱- استفاده از قدرت یا اجبار (قانونی یا غیره) برای ایجاد آسیب از طریق دستور دادن به اطاعت از یک سری ارزش‌های اخلاقی یا اجتماعی لازم.
- ۲- عملی که عامل، قربانی خشنونت را تکذیب می‌کند (کوک، ۱۹۹۷: ۹).

### انواع خشنونت

دانشمندان برای اینکه بتوانند پدیده خشنونت را بهتر بررسی کنند آن را به ابعاد گوناگونی تقسیم کرده و دسته‌بندی‌های مختلفی از آن ارائه داده‌اند. در یک تقسیم‌بندی خشنونت را می‌توان به انواع زیر تقسیم نمود:

- ۱- خشنونت جسمانی (بدنی): خشنونت فیزیکی یا بدنی، شامل انواع بدرفتاری‌ها چون هل دادن، لگدزدن، ضربه زدن، کشیدن موی سر، سوزاندن، شلاق زدن، صدمه زدن به اشیا و لوازم زندگی، به خصوص وسایلی که زن به آنها دلبستگی خاص داشته، اذیت و آزار رساندن مثل بیدار کردن‌های مکرر زن در نیمه شب، تلفن‌های مکرر، جاسوسی و تعقیب زن، انواع تهدیدها مثل نوشتن نامه‌های تحقیرآمیز، تهدید کلامی یا با اسلحه، تهدید به آزار و اذیت افراد وابسته زن مثل کودکان یا خویشاوندان، کشتن حیوانات خانگی و سرانجام تظاهر به کشتن قربانی است. تجربه نشان داده، رفتار خشنونت‌آمیز از نمونه‌های ساده مانند هل دادن، ضربه زدن شروع شده و به تدریج تعداد دفعات آن زیاد و خشن‌تر می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۲: ۲۰۹). خشنونت جسمانی علیه زنان به شیوه‌های گوناگون انجام می‌شود و کتک خوردن، شکنجه و قتل را دربر می‌گیرد.

این خشونت به هنگام رفتار غیراجتماعی نیز اطلاق می شود که جسم زن را مورد آزار قرار می دهد.

- بهای خشونت جسمی: اعضای شکسته، زخم ها، بریدگی ها، کبودی ها، ضربه مغزی، سقط جنین و ... (کار، ۱۳۸۰، ۳۸۰).

۲- خشونت روانی (عاطفی): خشونت روانی ممکن است جنبه اقتصادی و مالی داشته باشد. ندادن مخارج زندگی و تحت فشار قراردادن زن از این جهت، تصرف اموال شخصی وی و از بین بردن اموال او آسیب های روانی شدیدی بر وی وارد می کند. خشونت حقوقی علیه زن، استفاده از برتری ها و امتیازهای حقوقی خود برای ضربه زدن به اوست. مثلاً طلاق گرفتن یا ازدواج مجدد گاه برای آسیب زدن به زن صورت می گیرد. ایجاد محدودیت در رفت و آمد به قصد آزار زن، جلوگیری از پیشرفت علمی، فکری و اجتماعی نیز نوعی خشونت روانی است. خشونت ها علیه زن در خانواده ابتدا جنبه روانی دارد و در گفتار بازتاب می یابد و بعد به تدریج ابعاد بدنی پیدا می کند. برخی مؤلفان مدعی اند بدرفتاری روانی بسیار درد آورتر از بدرفتاری های بدنی است (مولوردی، ۱۳۸۵: ۳۶). بهای خشونت روانی: از کار افتادگی ادراکی، از بین رفتن اعتماد به نفس، انواع افسردگی ها، عدم کفایت زن در مدیریت خانواده، تقلیل جاه طلبی در محیط کار، گریز از مشارکت در امور اجتماعی، بازسازی رفتار خشونت آمیز بچه ها، عدم موفقیت کودکان در تحصیل، عدم کارآیی زن در محیط کار، پناه بردن به داروهای روان گردان، الکل و مواد مخدر، دست زدن به خودکشی، از دست دادن اعتبار اجتماعی و خانوادگی (کار، ۱۳۸۰: ۳۸۰).

۳- خشونت مالی (اقتصادی): چنانچه مردان خانواده نخواهند از خود سخاوتی نشان دهند، ادامه زندگی زنان جدا به مخاطره می افتد. گاهی دچار سوء تغذیه می شوند و گاه به ابتدایی ترین ضروریات زندگی دسترسی ندارند، به ویژه وقتی که مرد اولویت های دیگری خارج از قلمرو منزل



و خانواده برای خود قایل است. در اکثر جوامع زنان و دختران بدون دریافت دستمزد کارهای سخت و پر مشقتی انجام می دهند، آنها یا دسترسی به پول ندارند و یا دستمزدشان در اختیار مردان خانواده است (سلیمی، ۱۳۸۶: ۶۴). بهای خشونت مالی، محرومیت زنان از سواد و حرفه‌آموزی، عدم دسترسی به فرصت‌های برابر از حیث حرفه‌آموزی، موانع قانونی ناظر بر ارث برای زنان، شریک نبودن زن در اموال به دست آمده پس از ازدواج در صورت بروز طلاق، دستمزد کمتر زنان در محیط کار، منع اشتغال زنان توسط شوهر به دلیل مجوز قانونی، بخشیدن تنها حق مالی و قانونی زنان یعنی مهریه در صورت تمایل به جدایی و موارد دیگری اشاره کرد (همان، ۶۵).

۴- خشونت جنسی: خشونت جنسی به هر نوع رفتار خشن جنسی یک فرد نسبت به دیگری، علیرغم مخالفت وی، اطلاق می شود. این رفتار خشن جنسی می تواند با انگیزه تهدید، سوء استفاده، صدمه و آسیب جنسی انجام پذیرد (اسحاقی، ۱۳۸۲: ۱۷۸). در تعریف دیگری آمده، خشونت جنسی شامل کلیه رفتارهایی است که زن را مجبور به برقراری رابطه جنسی می کند، مانند آزار و اذیت جنسی (همان، ۱۷۹). بهای خشونت جنسی صدمات روانی، عصبی و عاطفی که بر کل رفتارهای آنها نسبت به جنس مرد تاثیر می گذارد. گاهی زنان صدمه دیده در زندگی جنسی دچار سردی و افسردگی شده و نفرت و ترس از جنس مرد را هرگز در زندگی خانوادگی و اجتماعی خود از یاد نمی برند (همان، ۳۴۸).

۵- آزار جنسی: آزار جنسی در محیط کار می‌تواند به عنوان استفاده از اقتدار شغلی یا قدرت به منظور تحمیل خواست‌های جنسی تعریف شود (گیدنز، ۱۳۷۳: ۲۱۹). بهای آزارهای جنسی از بین رفتن اعتماد به نفس، گوشه گیری از اجتماع و ایجاد روح بدبینی در زن است (کار، ۱۳۸۰: ۳۸۱).

۶- خشونت سیاسی: خشونت سیاسی با عملکرد اهرم های قدرت رسمی یعنی دولت علیه زنان اعمال می شود و به صورت غفلت از حقوق انسانی در قانونگذاری انعکاس می یابد، به صورت عدم پشتیبانی از برابری حقوق زن و مرد در سیاست گذاری به خصوص در برنامه ریزی های فرهنگی دولت تجلی می یابد. بهای خشونت سیاسی: آسیب پذیری روانی، عاطفی، جسمی زنان، عمیق شدن فاصله ذهنی زن و مرد، گریز زن از عرصه فعالیت و رقابت اجتماعی و سیاسی، پذیرش فرودستی از سوی زنان و تقویت شالوده مردسالاری.

#### خشونت علیه زنان در جهان:

خشونت علیه زنان امری جهانی است، نقض حقوق زنان و آزار و اذیت این قشر مختص به عصر حجر و باستان نبوده و این تعدی و تجاوز از ابتدای زندگی بشریت در طی اعصار آغاز شده و با نوسانات خاصی از حوزه خصوصی، عمومی به کار خود ادامه داده است. بعد از گسترش قبایل و ایجاد جوامع در سراسر کره زمین زنان همچون گذشته زیر فشار آزار و خشونت قرار داشتند و دارند. این پدیده شوم هیچ ارتباطی با پیشرفتهای علمی نداشته و این سری اعمال خشونت ها در جوامع اول تا جهان سوم، از پیشرفته ترین گرفته تا عقب نگه داشته شده، ادامه دارد و هیچ هنجاری نتوانسته این اسب خشن و افسار گسیخته را مهار نماید. آمار تکان دهنده تهاجم، فیزیکی و روانی، حتی با سانسور خبری علیه زنان ما را بر آن داشت که ابراز نماییم این تنها ناهنجاری مرد است که از ابتدای خلقت آغاز شده و هنوز نسبت به آن امتناع نورزیده است (سلیمانی، ۱۳۸۵: ۹۹).

خشونت خوانوادگی علیه زنان در هلند: این نوع خشونت در هلند یک مشکل اجتماعی بزرگ محسوب می شود. تعداد قربانیان این نوع خشونت از همه انواع دیگر بیشتر است. در یک

تحقیق، ۴۰ درصد هلندی ها اعلام کردند که مورد خشونت خانوادگی قرار گرفته اند. در بیش از یک چهارم موارد، خشونت هر هفته یا هر روز اتفاق می افتد و در یک پنجم موارد، این خشونت طی سالیان ادامه دارد. با وجودی که نتایج نشان می دهند زنان و مردان تقریباً به یک اندازه مورد خشونت واقع می شوند اما تفاوت های مهمی در این زمینه وجود دارد. این خشونت در مردان معمولاً در سنین پایین رخ می دهد درحالی که زنان تا سنین بالاتری از این معضل رنج می برند. معمولاً ۸۰ درصد موارد خشونت نسبت به زنان، توسط مردان صورت می گیرد. میزان این خشونت ها در محیط های شهری و روستایی و در اقوام گوناگون تقریباً برابر است. آمار دقیقی از این جرایم در هلند وجود ندارد و دولت امیدوار است اقداماتی در این زمینه انجام دهد که تابوی سکوت در این موارد شکسته شود. در قانون جزایی هلند اختصاصاً به این جرایم پرداخته نشده است. اقدامات پیشگیری از خشونت جنسی در نیروی پلیس مدت هاست که یک اولویت محسوب می شود. یک بررسی جدید نشان می دهد علی رغم تلاش های انجام شده، هنوز در نیروی پلیس این کشور، فرهنگی که به نیروهای مذکر اجازه ی اعمال این نوع خشونت نسبت به همکاران مونث را می دهد وجود دارد (اداره اموربین المللی زنان، ۱۳۸۸: ۵۸).

خشونت خانوادگی علیه زنان در چین: مقام زن در کشور چین و غالب ممالک آسیایی آن قدر پست و بی مقدار بوده که دختران را از بدو تولد جهت خدمتگذاری و آسایش مرد تربیت می کردند و غالباً آنها را تحت خشونت قرار داده و در بعضی مراسم دینی برای قربانی کردن، دختران را ترجیح می دادند (ساوجی، ۳۰). همیشه دختران در خانواده عنصری زاید به شمار می آمدند و اگر تعداد دختران زیاد می شد، مرد خانواده دختر بی گناه را در سرمای شب رها می کرد و در بیرون از منزل خوراک حیوانات وحشی می شد و یا دختر را به بازار برده فروشان می برد و با مقدار کمی مواد غذایی تعویض می نمودند. اگر در خانواده چینی دختری متولد

می شد، اقوام با وضعیت اسف باری با تاسف و ناراحتی به دلجویی و گاهی به ترحم خانواده می پرداختند و می اندیشیدند که این خانواده به چه گناهی آلوده شده که نیاکان چنین بلایی برای او نازل کرده اند. در آن روزگار زنان چنان در اختیار مردان بودند که با کوچکترین خطایی به مرگ محکوم می شدند و بزرگترین جرم مرد مورد عفو قرار می گرفت (شادلو، ۱۳۷۷: ۵۳).

خشونت خانوادگی علیه زنان در قبرس: کمیته نسبت به رویکردهای پدرسالارانه و افکار اجتماعی سنتی ریشه دار و دیدگاه های کلیشه ای مربوط به نقش ها و مسئولیت های زن و مرد در خانواده، محل کار، کلاس های درس، رسانه و سایر عرصه های اجتماعی ابراز نگرانی می کند. گزارش دولت قبرس نشان می دهد که این قالب های کلیشه ای مانع اصلی در برابر پیشرفت زنان در این کشور بوده، علت عمده محرومیت نسبی زنان از حضور در برخی عرصه ها همچون بازار کار، سیاست رسانه و دستیابی به بالاترین سطوح در نظام آموزشی می باشد. این گزارش حاکی از اعمال خشونت مستمر نسبت به زنان به خصوص داخل خانواده هاست و به عنوان مشکلی جدی همچنان به قوت خودباقی است. به علاوه فقدان تحقیقات، اطلاعات و آمارهایی راجع به عوامل خشونت خانگی و دیگر اقسام خشونت علیه زنان و میزان انتشار این پدیده نگران کننده است (اداره امور بین المللی زنان، ۱۳۸۸: ۶۶).

خشونت خانوادگی علیه زنان در هند: در کشور هند، ادیان مختلفی با قوانین بسیار پیچیده و موهومی از گذشته تا به حال وجود داشته و هندویان پایبندی عجیبی به این اعتقادات خرافی از خود نشان می دادند و هنوز هم بعد از گذشت قرن ها و متمدن شدن فرهنگ ها این خرافات به وفور یافت می شود. ریشه اساسی ظلم به دختران و زنان در هند را می توان از دو دیدگاه مورد بررسی قرار داد: جو حاکم ناشی از اعتقادات خرافی و پایبندی به تعلیمات و ادیان متعصب، مانند پیروی از آیین بودائی که نسبت به زن کاملاً بدبین است. فقر اقتصادی مسلط به هند، که

زنان و دختران را به علت (اقتصادی نبودن) طرد می نماید. فقر اقتصادی توانسته بزرگترین فجایع انسانی را در هند به وجود آورده و خانواده ها هم مجبورند پذیرای آن باشند (سلیمانی، ۱۳۸۵: ۱۱۹).

خشونت خانوادگی علیه زنان در امریکا: امروزه عده ای فرسنگ ها دورتر از قاره امریکا و دورتر از زرق و برق تکنولوژی روز دنیا، زنان امریکایی را در کالبد واقعی فمینیست و زن سالاری تصور می کنند. اما در حقیقت این آزادی به ظاهر حربه ای برای هوسبازان است که به آسانی بتوانند زنان را تحت بازیچه شوم هوی و هوس قرار دهند. رواج شدید تجاوز به عنف و بیماری های جنسی و گسترش تفریحات ناسالم و ابتلا به مواد افیونی، هر روز بیشتر گریبان این کشور را می فشارد، که زیان حاصله نسبت به زنان، بیشتر از مردان است. زنان امریکایی قربانی بعضی جنایت های خاص نیز می باشند که مهمترین آنان را می توان تجاوز جنسی، سو استفاده جنسی از دختر بچه ها، کتک خوردن از همسر یا دوست پسر، فاحشگی و چندین جرایم دیگر است (مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، ۱۳۷۷: ۱۰۵-۱۰۴).

خشونت خانوادگی علیه زنان در یونان: مردم یونان زنان را در سیمای برده چون چهارپایان و کالای تجاری در بازار خرید و فروش می کردند، و تنها وظیفه نظافت منزل را از آنها قبول می نمودند. از نظر فحشا و تجاوز و بی بند و باری، هر مرد یونانی در خانه زنی را برای تولید نسل و نگهداری فرزندان در سلطه خود قرار می داد و در خارج از منزل آزادانه می توانست با هر زنی رابطه ای آشکار داشته باشد. یونانیان زنان را زاده شیطان دانسته و اعتقاد داشتند که زن فقط باید خدمتگزار مرد باشد و ارضا کننده نیازهای جنسی او و حق مداخله در امور دیگر را ندارد. همچنین آنها زن را پاک ناشدنی می دانستند و زن در یونان کاملاً تحت تسلط مرد بود و مرد می توانست زن را به آسانی خریداری و به بیگانگان واگذار نماید. در آتن زنان را چون

دیوانگان، کم خرد و کوتاه فکر می خواندند و به زنان اجازه نمی دادند که معامله کنند و در بازار به خرید و فروش بپردازند. مگر اینکه قیمت اشیاء از بیست من جو بیشتر نباشد. (دورانت، ۱۳۳۷: ۲۳۳).

خشونت خانوادگی علیه زنان در انگلستان: کمیته از ادامه خشونت علیه دختران و زنان شامل خشونت های خانگی و جنسی و از آمار پایین دادرسی و محکومیت مرتکبین این جرایم ابراز نگرانی نمود. فقدان یک برنامه و استراتژی جامع ملی برای مقابله با تمام اشکال خشونت علیه زنان و دختران نیز موجب نگرانی کمیته است. فقدان خدمات و حمایت های کافی برای قربانیان از جمله سرپناه، نگرانی کمیته را در پی داشته است. کمیته از مجاز بودن تنبیه بدنی در خانه که موجب خشونت علیه کودکان به خصوص کودکان دختر می باشد، ابراز نگرانی نموده و خواستار توجه دولت انگلیس به این امر شده است (اداره امور بین المللی زنان، ۱۳۸۸: ۲۸). خشونت علیه زنان در مصر: یکی از خشونت بارترین سنتی که علیه زنان در مصر وجود دارد، ختنه زنان است. بر طبق تحقیق سال ۱۹۹۲ یونیسف، ۸۰ درصد دختران، این رسم خطرناک و دردناک را تحمل می کنند. در مصر معمولاً قطع عضو جنسی زنان به شکل برداشتن کیتوریس و قطع عضو صورت می گیرد. مدافعان قطع عضو جنسی زنان ادعا می کنند این مسئله زیبایی و پاکدامنی را حفظ می کند و در ضمن تمایلات جنسی آنها را تحت کنترل قرار می دهد. «شیخ طنطاوی» ضمن رسوا کردن توجیهات مذهبی برای قطع عضو جنسی زنان اظهار داشت که هیچ ناامنی از این آیین در قرآن نیامده است، اگر چه شخص قبل از او قطع عضو جنسی را یک روش پسندیده نامیده بود (شادلو، ۱۳۷۷: ۱۳۶).

رفع خشونت علیه زنان در ترکیه: اصولاً هر نوع حرکت، رفتار و گفتاری که به قصد آزار روحی و جسمی به زن مقابل فرزند، خواسته یا ناخواسته انجام گیرد و باعث آزار، محدودیت یا خوار و

ضعیف کردن او شود می تواند خشنونت محسوب شود. با این تعریف حوزه خشنونت علیه زنان در ترکیه، تنها به خشنونت های جسمی چون آزار جسمی و تجاوز محدود نمی شود، بلکه بسیاری از رفتارهای شخصی و اجتماعی را نیز در بر می گیرد، به طور مثال کشف حجاب و مخالفت ورود محجبه ها به دانشگاه، نیز خشنونت می باشد. شاید زن که از طرف شوهر خود مورد آزار جسمی قرار می گیرد، همان قدر قربانی خشنونت باشد که زن در خیابان مورد تحقیر کلامی همشهری خود قرار گیرد. آن هم تنها به جهت زن بودن و بدین شکل قربانی خشنونتی اجتماعی می گردد. متأسفانه انواع فیلم های سینمایی و مجموعه های تلویزیونی ترکیه در زمینه روابط زن و مرد نیز بیشترین تاثیر را بر توده مردم می گذارند.

خیل عظیم فیلم هایی که زنان را موجوداتی بی دست و پا تر از مرد، فریبکار و عقب نگاهدارنده مرد و مملو از ضعف های اخلاقی نشان می دهد، شاهدهی بر این مدعی است. زنانی که در این فیلم ها به تصویر کشیده می شوند، به جهت ضعف های آزار دهنده ی خود، شایسته ی خشنونت های کلامی، رفتاری و جسمی مردان هستند، بدین ترتیب مخاطبان زن و مردی که اوقات فراغت خود را با دیدن این گونه فیلم ها پر می کنند، تحت تاثیر این رفتارهای غلط اجتماعی قرار گرفته و طبیعتاً به جهت الگوسازی خاص این گونه فیلم ها و مجموعه ها، این رفتارها را طبیعی می شمارند و به این ترتیب این فیلم ها اثر نا مطلوب خود را بر مخاطب می گذارد. زیرا خشنونت تمایل به خشنونت راکاهش نمی دهد، بلکه خشنونت موجب خشنونت می شود (رضایی سیاوشانی، ۱۳۷۷: ۱۵۸).

## روش تحقیق

در این تحقیق از روش اسنادی و پیمایشی برای مراجعه به داده های کیفی و کمی استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه زنان مجرد و متاهل، ساکن شهر سمنان در سال ۱۳۹۰ که با خانواده خود زندگی می کنند. حجم نمونه با توجه به فرمول مورد نظر محقق تعداد ۳۰۰ نفر می باشد و از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شده است. جهت تعیین میزان روایی یا اعتبار ابزار اندازه گیری، از اعتبار صوری و اعتبار محتوایی استفاده شده که در این روش از مشاوره و مصاحبه اکتشافی با اساتید و صاحب نظران موضوعی بهره گرفته شد و جهت تعیین میزان قابلیت اعتماد و پایایی و به عبارتی دقیق تر همسازی درونی گویه ها جهت سنجش مفهوم و متغیر ترکیبی، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که ۰/۷۸ به دست آمده است.

## ادبیات تحقیق

زارعی (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان بررسی وضعیت زنان متحمل خشونت پنهان خانوادگی در یک مطالعه موردی پدیدار شناسانه از شهر تهران بیان می کند که آثار خشونت فیزیکی (معمولاً) قابل مشاهده است اما در مقابل، خشونت هایی وجود دارد که آثار مخرب آنها به چشم نمی آید اما تحملشان بسیار دشوار است. مانند دروغ گفتن، نققه ندادن، به خواسته های زن بی توجه بودن، چشم چرانی، تعدد همسر، انتقاد کردن به طور مداوم، جدا کردن زن از کودکانش، دوستان و فامیل، پرخاش کردن، وادار کردن زن به ترک خانه، تهمت زدن، وادار کردن زن به پوشش خاص بدون میل خود. با وجود گستردگی خشونت علیه زنان و تبعات زیان بار ناشی از آن، پنهان نگهداشتن اعمال خشونت و پرهیز زنان از واکنش فعال نسبت به آن، یکی از مشخصات خشونت علیه زنان در تمام جوامع است.



در تیر ماه ۱۳۸۷ پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه پایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان با تصور و تجربه آنان از خشونت کلامی بر روی این موضوع تاکید می کند. محقق به ۶ قالب کلی خشونت کلامی اشاره می کند که عبارتند از:

۱- تهدید. ۲- پرخاش. ۳- تحقیر. ۴- تمسخر. ۵- توهین. ۶- بی اعتنائی.

همچنین وجود رابطه بین سن زنان و میزان خشونت کلامی نسبت به آنها تایید شده است. رابطه مستقیم و بسیار ضعیف بین ۲ متغیر وجود دارد. بدین معنا که با افزایش سن زنان، میزان خشونت کلامی علیه آنان افزایش می یابد. خسروی و خاقانی فرد (۱۳۸۳) در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه همسر آزاری با تمایل به افکار خودکشی و آسیب رسانی به همسر در زنان شهر تهران نشان داد که بدترین و وحشتناک ترین جنبه کتک خوردن از مرد، تنها خشونت فیزیکی نیست، بلکه خشونت روانی، حالت ترس و احساس سرخوردگی است که آنان در حین کتک خوردن تجربه کرده اند. بررسی های «یلو» (۱۹۹۰) امر دیگری را نشان داد، او اعتقاد دارد میان خشونت مردان در محدوده خصوصی و پایگاه اجتماعی زنان در محدوده عمومی، رابطه ای وجود دارد و بر این اساس یک شاخص پایگاهی چهار بعدی به وجود آورد که ابعاد آن اقتصاد، آموزش، حقوق و سیاست است.

فرضیه وی چنین بود که: هرچه پایگاه زنان در یک ایالت پایین تر یا نابرابری های جنسیتی بیشتر باشد، میزان (کتک زدن زنان) بیشتر است. به عبارتی هرچه موقعیت زنان در جامعه ای نامناسب تر باشد که خود به معنای وجود نابرابری عینی است، امکان استفاده مردان از خشونت بیشتر است. البته «یلو» این امر را هم در نظر می گیرد که چون با افزایش پایگاه اجتماعی زنان، مردان موقعیت خود را در خطر می بینند، امکان افزایش خشونت نیز بیشتر می شود.

«روی»<sup>۱</sup> (۱۳۷۷) پژوهشی ۱۵۰ موردی بر روی ۱۵۰ زن امریکایی که به شدت خواهان یافتن راه حلی برای مشکلاتشان بودند، صورت داده است. «روی» اطلاعات را طی یک سال از موسسه (زنان مورد بد رفتاری قرار گرفته و بحران زده) جمع آوری کرده است. تعداد ۱۵۰ مورد تحقیق به طور تصادفی از ۱۰۰۰ مورد موجود انتخاب شده و در جریان بررسی به تاریخچه شخصی زندگی هر یک از این زنان و ارتباط آنها با سازمان های قانونی، نظام های دادگاهی، خدمات اجتماعی، مشاوران ازدواج و افراد خانواده و دوستان و تاثیر عواملی مانند مواد مخدر و الکل و نیز تاریخچه بد رفتاری در خانواده پدری که نقش تعیین کننده ای در ادامه دار ساختن شرایط موجود دارند، توجه شده است، روی در این تحقیق چنین نتیجه می گیرد: از نظر رابطه و مدت آن بیشترین در فاصله ۲/۵ تا ۵ سال و ۷/۵ تا ۱۵ سال زندگی مشترک صورت می گیرد و از انواع خشونت به ترتیب: بد رفتاری جنسی (نزدیکی با توسل به زور) بد رفتاری کلامی (فحاشی، بدگویی، حمله به منش و شخصیت)، بد رفتاری جسمانی (سیاه کردن پای چشم، کتک زدن، شکستن دنده ها، دست روی گلو گذاشتن) و بد رفتاری جسمانی با اسلحه (چاقو، کلت، چوب) قرار دارد. سابقه خشونت در خانواده پدری زن ۳۳ درصد و سابقه خشونت در خانواده پدری مرد ۸۱ درصد است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

<sup>۱</sup>. Roy

### یافته های تحقیق

بیشتر نیمی از زنان پاسخگو (۷۵ درصد) کمتر از ۳۰ سال سن دارند، ۱۹ درصد بین ۳۰-۴۵ سال و مابقی نیز حدود ۵/۷ درصد بالاتر از ۴۵ سال سن دارند.

**جدول شماره ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن**

درصد	فراوانی مطلق	شرح
75	۲۲۵	کمتر از ۳۰ سال
19	۵۷	بین سنین ۳۰-۴۵ سال
۵/۷	۱۷	بالاتر از ۴۵ سال
۹۹/۷	۲۹۹	جمع
۰/۳	۱	بی جواب
۱۰۰	۳۰۰	جمع نهایی

در خصوص وضعیت تحصیلی زنان پاسخگو مشاهده می‌شود، کمتر از نیمی از پاسخگویان (۴۸/۳ درصد) دارای مدرک کارشناسی و ۲۰/۷ درصد فوق دیپلم دارند و بقیه پاسخگویان، ۱۵/۷ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر، ۹ درصد دارای مدرک متوسطه، ۲ درصد ابتدایی، ۲/۳ درصد سواد خواندن و نوشتن و حدود ۱/۷ درصد هم بی سواد می باشند.

**جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تحصیلی**

درصد	فراوانی مطلق	شرح
۱/۷	۵	بی سواد
۲/۳	۷	سواد خواندن و نوشتن
۲	۶	ابتدائی
۹	۲۷	متوسطه
۲۰/۷	۶۲	فوق دیپلم
۴۸/۳	۱۴۵	لیسانس
۱۵/۷	۴۷	فوق لیسانس و بالاتر
۹۹/۷	۲۹۹	جمع
۰/۳	۱	بی جواب
۱۰۰	۳۰۰	جمع نهایی

در خصوص وضعیت اشتغال زنان مشاهده می‌شود، حدود ۳۴/۳ درصد بیکار بوده و بقیه به ترتیب: ۱۵/۷ درصد کارمند، ۹/۳ درصد خانه دار و ۷/۳ درصد کارگر و ۷/۳ درصد کاسب می‌باشند و حدود ۲۳ درصد هم سایر موارد را انتخاب نموده‌اند. بنابراین نتیجه می‌گیریم که بیشتر پاسخگویان بیکار و جویای کار هستند.

**جدول شماره ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت اشتغال**

درصد	فراوانی مطلق	شرح
۳۴/۳	۱۰۳	بیکار
۷/۳	۲۲	کارگر
۱۵/۷	۴۷	کارمند
۷/۳	۲۲	کاسب
۹/۳	۲۸	خانه دار
۲۳	۶۹	سایر موارد
۹۷	۲۹۱	جمع
۳	۹	بی جواب
۱۰۰	۳۰۰	جمع نهایی

تعداد ۵۹/۳ درصد پاسخگویان مجرد، ۳۳ درصد متأهل، ۵ درصد مطلقه و ۱ درصد بی همسر هستند و ۱/۷ درصد هم متارکه کرده اند. بنابراین می توان گفت که اکثریت پاسخگویان مجرد می باشند.

**جدول ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل**

شرح	فراوانی مطلق	درصد
مجرد	۱۷۸	۵۹/۳
متأهل	۹۹	۳۳
مطلقه	۱۵	۵
متارکه	۵	۱/۷
بی همسر در اثر فوت	۳	۱
جمع نهایی	۳۰۰	۱۰۰

در خصوص وضعیت درآمد افراد مشاهده می‌شود، کمتر از نیمی از پاسخگویان (۳۸/۷ درصد) درآمدی بالاتر از ۴۰۰ هزار تومان در ماه داشته‌اند و ۲۷/۷ درصد دارای درآمدی بین ۲۰۰-۴۰۰ هزار تومان و ۱۶ هم دارای درآمد کمتر از ۲۰۰ هزار تومان در ماه هستند.

**جدول ۵: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر درآمد افراد**

شرح	فراوانی مطلق	درصد
کمتر از ۲۰۰ هزار تومان	۴۸	۱۶
بین ۲۰۰-۴۰۰ هزار تومان	۸۳	۲۷/۷
بالاتر از ۴۰۰ هزار تومان	۱۱۶	۳۸/۷
جمع	۲۴۷	۸۲/۳
بی جواب	۵۳	۱۷/۷
جمع نهایی	۳۰۰	۱۰۰

همان‌طور که از نتایج جدول فوق مشاهده می‌شود، ۱۷ درصد همسرانشان در جایگاه خانوادگی، منابع قدرت پایینی دارند، ۳۹ درصد منابع قدرت متوسط و ۱۳/۷ درصد هم از منابع قدرت بالایی در خانواده بر خوردارند.

**جدول ۶: توزیع فراوانی بر حسب منابع قدرت**

فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	شرح
۱۷	۵۱	پایین
۳۹	۱۱۷	متوسط
۱۳/۷	۴۱	بالا
۶۹/۷	۲۰۹	جمع
۳۰/۳	۹۱	بی جواب
۱۰۰	۳۰۰	جمع نهایی

### خشونت خانگی

میزان ۳۳ درصد از پاسخگویان و نمونه تحقیق اظهار داشته اند که هرگز توهین، ناسزا و بی احترامی نشنیده اند. این درحالی است که ۲۹/۳ درصد کم و ۱۵/۳ درصد هم تا حدودی، همچنین ۱۲ درصد زیاد و ۹/۷ درصد هم خیلی زیاد توهین و ناسزا گفتن و بی احترامی شنیده اند. همچنین، ۲۰/۳ درصد پاسخگویان اذعان داشته اند که هرگز اخم و ترشرویی ندیده اند. درحالی که ۳۰/۳ درصد کم و ۱۵/۷ درصد هم تا حدودی، ۱۸ درصد زیاد و ۱۵/۷ درصد هم خیلی زیاد اخم و ترشرویی را کم ذکر نموده اند. همچنین، کمتر از نیمی از پاسخگویان (۴۹/۷ درصد) اظهار داشته اند که هرگز در جمع مسخره نشده اند و ۲۱ درصد کم، ۱۰/۷ درصد تا حدودی، ۸/۷ درصد زیاد و ۹ درصد هم خیلی زیاد در جمع مسخره شده اند. در ضمن، کمتر از نیمی از

پاسخگویان ۴۸/۷ درصد هرگز، تهدید به کتک زدن یا پرتاب اشیاء به طرفشان نداشته اند، ۱۷/۳ درصد کم، ۱۲ درصد تا حدودی، ۹/۷ درصد زیاد و ۱۱/۳ درصد هم خیلی زیاد تهدید به کتک زدن یا پرتاب اشیاء به طرفشان شده اند. در ادامه نیز ۲۵ درصد هرگز داد و فریاد بر سرشان نزده اند، ۲۲ درصد کم، ۱۴/۷ درصد تا حدودی، ۱۱ درصد زیاد و ۲۶/۳ درصد هم خیلی زیاد. این درحالی است که ۲۴ درصد هرگز اظهار یا انجام کارهایی بر خلاف خواست شما انجام نداده اند و ۱۷/۷ درصد کم، ۱۹/۳ درصد تا حدودی، ۱۳/۷ درصد زیاد و ۲۴/۷ درصد هم خیلی زیاد اظهارنظر یا انجام کارهایی بر خلاف خواستشان انجام داده اند. همچنین، ۴۸/۷ درصد از پاسخگویان اظهار داشته اند که هرگز تحقیر وضعیت جسمانی و ظاهری نداشته اند، همچنین ۲۱ درصد کم، ۱۱ درصد تا حدودی، ۱۰/۷ درصد زیاد و ۸/۳ درصد هم خیلی زیاد تحقیر شده اند. در ادامه، ۳۴/۱ درصد از پاسخگویان اظهار داشته اند که هرگز طرف مقابلشان به خراب و پرتاب کردن اشیاء و لوازم خانگی دست نمی زند، در ضمن، ۱۷/۳ درصد کم، ۱۳/۷ درصد تا حدودی، ۵/۳ درصد زیاد و ۶/۳ درصد هم خیلی زیاد با این کار مواجه شده اند.

در ضمن، بیشتر از نیمی از پاسخگویان ۶۹ درصد هرگز آنها را از خانه شان بیرون نکرده اند، ۱۳ درصد کم، ۷/۷ درصد تا حدودی، ۴ درصد زیاد و ۵/۳ درصد هم خیلی زیاد این امر را تجربه کرده اند. در ادامه، ۶۲/۳ درصد از پاسخگویان اظهار داشته اند که هرگز طرف مقابلشان آنها را تهدید به آسیب رساندن به اشخاص مورد علاقه شما نمی کنند، در ضمن، ۸/۷ درصد کم، ۱۴/۳ درصد تا حدودی، ۶/۷ درصد زیاد و ۸ درصد هم خیلی زیاد با این کار مواجه شده اند. در ضمن، بیشتر از نیمی از پاسخگویان ۵۴/۷ درصد هرگز چیزی به سمتشان پرتاب نمی شود، ۱۴/۳ درصد کم، ۱۴ درصد تا حدودی، ۷ درصد زیاد و ۹/۷ درصد هم خیلی زیاد این امر را تجربه کرده اند. همچنین، ۵۲/۴ درصد از پاسخگویان اظهار داشته اند که هرگز کسی آنها را هل



نمی دهد یا پرت نمی کند، ۱۵/۷ درصد کم، ۱۴ درصد تا حدودی، ۸/۳ درصد زیاد و ۹/۳ درصد هم خیلی زیاد این عمل را تجربه کرده اند. همچنین، سایر گونه ها که در بالا فراوانی و درصدهایشان را مشاهده کردید.

**جدول ۸: توزیع فراوانی بر حسب میزان خشنونت خانگی**

شرح	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	درصد معتبر	درصد تجمعی
هرگز	۱۶۷	۵۵/۷	۶۱/۹	۶۱/۹
کم	۵۱	۱۷	۱۸/۹	۸۰/۷
زیاد	۵۲	۱۷/۳	۱۹/۳	۱۰۰
جمع	۲۷۰	۹۰	۱۰۰	
بی جواب	۳۰	۱۰		
جمع نهایی	۳۰۰	۱۰۰		

همان طور که از نتایج جدول فوق مشاهده می شود، در زنان ۵۵/۷ درصد هرگز مورد خشنونت واقع نشده اند، ۱۷ درصد کم و ۱۷/۳ درصد هم زیاد مورد خشنونت قرار گرفته اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## نتیجه گیری و پیشنهادها

نتایج به دست آمده نشان داد که بیشتر از نیمی از زنان پاسخگو (۷۵ درصد) کمتر از ۳۰ سال سن، ۱۹ درصد بین ۳۰-۴۵ سال و مابقی نیز حدود ۵/۷ درصد بالاتر از ۴۵ سال سن دارند. در خصوص وضعیت تحصیلی زنان پاسخگو مشاهده می‌شود، کمتر از نیمی از پاسخگویان (۴۸/۳ درصد) دارای مدرک کارشناسی و ۲۰/۷ درصد فوق دیپلم و بقیه پاسخگویان، ۱۵/۷ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر هستند، ۹ درصد دارای مدرک متوسطه، ۲ درصد ابتدایی، ۲/۳ درصد سواد خواندن و نوشتن و حدود ۱/۷ درصد هم بی سواد می باشند. در خصوص وضعیت اشتغال زنان مشاهده می‌شود، حدود ۳۴/۳ درصد بیکار می‌باشند و مابقی به ترتیب، ۱۵/۷ درصد کارمند، ۹/۳ درصد خانه دار و ۷/۳ درصد کارگر و ۷/۳ درصد کاسب می باشند و حدود ۲۳ درصد هم سایر موارد را انتخاب نموده اند. ۵۹/۳ درصد پاسخگویان مجرد، ۳۳ درصد متأهل، ۵ درصد مطلقه و ۱ درصد بر اثر فوت همسرانشان بی همسر هستند و ۱/۷ درصد هم متارکه کرده اند. در خصوص تعداد نفرات خانواده پاسخگویان مشاهده می‌شود، بیشتر از نیمی از پاسخگویان (۵۷/۷ درصد) دارای خانواده های ۴-۶ نفری هستند، ۲۲ درصد دارای خانواده های کمتر از ۳ نفر و ۱۲/۳ درصد هم دارای خانواده های بیشتر از ۶ نفر هستند. در خصوص وضعیت درآمد افراد مشاهده می‌شود، کمتر از نیمی از پاسخگویان (۳۸/۷ درصد) درآمدی بالاتر از ۴۰۰ هزار تومان در ماه داشته اند و ۲۷/۷ درصد دارای درآمدی بین ۲۰۰-۴۰۰ هزار تومان و ۱۶ هم دارای درآمد کمتر از ۲۰۰ هزار تومان در ماه هستند. در خصوص وضعیت درآمد خانواده پاسخگویان مشاهده می‌شود، کمتر از نیمی از پاسخگویان (۲۸ درصد) درآمدی بین ۵۰۰ هزار تومان تا ۱ میلیون در ماه داشته اند و ۲۴/۷ درصد دارای کمتر از ۵۰۰ هزار تومان درآمد ماهیانه هستند و ۱۹/۳ هم دارای درآمد بیشتر از ۱ میلیون تومان در ماه

می باشند. در خصوص منبع تأمین کننده درآمد مشاهده می شود، کمتر از نیمی از پاسخگویان (۴۴/۳ درصد) منبع درآمدشان از حقوق اشتغالشان است، ۱۰/۷ درصد درآمد بدون کار دارند، ۸/۷ درصد از طریق حقوق بازنشستگی، ۴/۷ درصد مستمری بگیر و ۱۸/۳ درصد هم از طریق راه های دیگر درآمدشان تأمین می شود. در خصوص پشتوانه مالی پاسخگویان مشاهده می شود، اکثریت پاسخگویان (۵۲/۳ درصد) دارای حساب بانکی هستند و ۹ درصد سند خانه دارند، ۷/۷ درصد سند ماشین، ۶/۳ درصد سند زمین، ۱ درصد بیمه عمر، ۹/۷ درصد سایر موارد و ۷ درصد هم هیچکدام از این موارد را نداشتند. در خصوص قومیت پاسخگویان مشاهده می شود، اکثریت پاسخگویان (۶۴ درصد) فارس هستند و ۱۱ درصد ترک، ۶ درصد کرد، ۱ درصد بلوچ، ۱ درصد لر و لک، ۴ درصد گیلکی، ۴/۷ درصد مازندرانی و ۶ درصد هم سایر موارد را انتخاب نموده اند. در نتیجه اکثریت پاسخگویان فارس هستند. در ارتباط با خشونت خانگی زنان، ۵۵/۱۷ درصد هرگز مورد خشونت واقع نشده اند، ۱۷ درصد کم و ۱۷/۳ درصد هم زیاد مورد خشونت قرار گرفته اند.

## فهرست منابع

- آندره، میشل (۱۳۵۴). جامعه شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه فرنگیس اردلان، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون تهران.
- استفانی، گرت (۱۳۸۰). جامعه شناسی جنسیت، ترجمه کتابیون بقایی، تهران: نشر دیگر.
- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۷۲). تفکر نظری در جامعه شناسی، ترجمه محمد علی حاضری، تهران: نشر مفید.
- اعزازی، شهلا (۱۳۷۶). جامعه شناسی خانواده، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰). خشونت خانوادگی، زنان کتک خورده، تهران: انتشارات سالی.
- توسلی، غلام عباس (۱۳۷۴). نظریه های جامعه شناسی، تهران: انتشارات سمت.
- حضوری، کلثوم (۱۳۸۵). بررسی وضعیت زنان خشونت دیده قبل و بعد از طرح شکایت در کلانتری، فصلنامه تخصصی - کاربردی مطالعه امنیت اجتماعی ریا، سال سوم، شماره ۱.
- درویش پور، مهرداد (۱۳۸۷). چرا مردان به اعمال خشونت علیه زنان ترغیب می شوند، زنان، سال هشتم، شماره ۵۶.
- دهقانی عبدالرحیم (۱۳۸۴). بررسی تأثیر سرمایه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) بر خشونت شوهران علیه زنان در خانواده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه بوشهر.
- رئیسی سرتشنیزی، امراالله (۱۳۸۰). بررسی وضعیت خشونت علیه زنان و عوامل موثر بر آن در شهرستان شهر کرد، دانشگاه تهران.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۷). نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر. مترجم: محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.

- زارعی، امین (۱۳۸۳). عوامل موثر بر خشونت دانش آموزان دبیرستان های پسرانه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- زارعی، مریم (۱۳۸۷). شناسایی وضعیت زنان متحمل خشونت پنهان خانوادگی در یک مطالعه موردی پدیدار شناسانه از شهر تهران، دانشگاه تهران.
- زنگنه، محمد (۱۳۸۰). بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر خشونت شوهران علیه زنان در خانواده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوشهر.
- سازمان جهانی بهداشت (۱۳۸۰). خشونت علیه زنان، ترجمه شهرام رفیعی فرو سعید پارسى نیا، تهران: نشر تندیس.
- سالنامه آماری استان سمنان (۱۳۸۸).
- سلیمانی، محمد (۱۳۸۵). سیر تاریخی خشونت علیه زنان (۱)، سمنان: انتشارات آبرخ.
- صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۶). آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران: نشر آن.
- طرزی، تقی (۱۳۸۵). بررسی نقش مردسالاری در خشونت خانوادگی، فصلنامه تخصصی - کاربردی مطالعات امنیت اجتماعی، سال سوم، شماره ۱.
- عبدالله زاده، امین (۱۳۸۹). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش به همسرآزاری (خشونت علیه زنان)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شوشتر.
- فرنچ، مارلین (۱۳۷۳). جنگ علیه زنان، ترجمه توراندخت تمدن (مالکی)، تهران: نشر علمی.
- کار، مهرانگیز (۱۳۸۰). پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). جامعه شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، چاپ هشتم، تهران: نشر نی.

- مارابی، محسن (۱۳۸۴). بررسی عوامل خانوادگی موثر بر خشونت علیه زنان، فصل نامه زنان، شماره ۱۰.

- معتمدی مهر، مهدی (۱۳۸۰). حمایت از زندان در برابر خشونت سیاسی جنایی انگلستان، تهران: انتشارات برگ زیتون.

- مولوردی، شهیندخت (۱۳۸۵). کالبد شکافی خشونت علیه زنان، تهران: نشر حقوقدان.

